

محسن رضایی: ارتباط آلوده بین دولتی‌ها و قاچاقچی‌ها!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

در مطلبی تحت عنوان "معضل خانمانسوز اعتیاد در ایران" در نشریه جهان امروز ۱۵۰ اشاره کردم که: «در ایران باندهای وابسته به حاکمیت، بدون ترس از پیگردهای "قانونی"، در عرصه توزیع مواد مخدر نیز مانند قاچاق کالا، سلاح‌های کشتار جمعی، فروش مشروبات الکلی، سازمان‌دهی تن‌فروشی رشوه‌گیری، دزدی، غارت، جنایت و غیره کسب سود می‌کنند و تعداد هر چه بیش‌تری از افراد جامعه را به دام اعتیاد می‌کشانند.»

در این رابطه چند مورد سؤال شد که چرا همه چیز را به رژیم نسبت می‌دهید؟ مگر نمی‌دانید که تاکنون تعدادی از مامورین مبارزه با جمهوری اسلامی، در درگیری با قاچاقچیان جان خود را از دست داده‌اند؟ و یا این که شما با اتکا به کدام منبع و سندی سازمان‌دهی مواد مخدر را به رژیم جمهوری اسلامی و ارگان‌های آن نسبت می‌دهید؟

به جای جواب خصوصی به این سئوالات که به‌صورت ایمیل برایم ارسال شده بود، در زیر می‌کوشم نقش رژیم جمهوری اسلامی و باندهایش در توزیع مواد مخدر در ایران و یا در سطح منطقه و جهان و عوارض خانمانسوز آن در خانواده‌های معتاد را بیش‌تر باز کنم و نشان دهم که اگر فروش مواد مخدر برای سوداگران مرگ، سودهای میلیاردی به دنبال دارد بر عکس، برای مردم و به ویژه جوانانی که به دام اعتیاد کشیده می‌شوند، زندگی‌شان بر باد می‌رود و خانه خرابی و زندگی جگرسوزی پیدا می‌کنند.

رژیم جمهوری اسلامی، به خصوص در ۸ سال جنگ ایران و عراق، به دلیل تحریم‌های آمریکا و فشار آن بر شرکت‌های بزرگ فروش سلاح در سطح جهان، به بازار قاچاق اسلحه روی آورد و در این میان برخی ارگان‌های این رژیم، مانند سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران و غیره وارد این معاملات شدند. رفته‌رفته، ابعاد معاملات آن‌ها وسیع‌تر شد و به قاچاق انواع و اقسام اجناس از پارچه تا گوشت و از اسلحه تا مواد مخدر روی آوردند. حتا برای ترورهای خارج کشور نیز جوخه‌های مرگ رژیم، به معامله و همکاری با باندهای مافیایی شدند.

ایران، در همسایگی افغانستان، برای قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر، به عنوان ترانزیت برای انتقال مواد مخدر به کشورهای دیگر منطقه و اروپا و آمریکا اهمیت حیاتی و استراتژیک دارد که قطعا این امر نیز بدون اطلاع و مشارکت ارگان‌های رژیم جمهوری اسلامی، آن هم در ابعاد وسیع و کلان

امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین ارگان‌های سرکوب و عوامل و عناصر مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی با قاچاقچیان بین‌المللی در جابه‌جایی مواد مخدر و روش آن منافع مشترکی دارند. یک فاکتور آشکار دست داشتن جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر این است که سپاه پاسداران و اطلاعات جمهوری اسلامی مستقیماً عامل اصلی توزیع مواد مخدر به ویژه در کردستان هستند. هدف رژیم از این اعمال غیرانسانی، از یک سو کسب پول و از سوی دیگر آلوده کردن آگاهانه جوانان کردستان به اعتیاد است. سال‌هاست که اعتیاد در کردستان، به یک معضل جدی اجتماعی تبدیل شده است. کشاندن جوانان کردستان به دام اعتیاد، با هدف دور کردن آن‌ها از تلاش و مبارزه و تضعیف جنبش انقلابی مردم محروم و ستم‌دیده کردستان صورت می‌گیرد. برای مثال خبرگزاری کردستان شرقی، به تاریخ ۲۲ آذر ماه در خبری تحت عنوان "فعالیت آزادانه یک باند توزیع مواد مخدر با پشتیبانی وزارت اطلاعات"، گزارش داد: «یک باند بزرگ پخش مواد مخدر در شهرستان مریوان آزادانه و با پشتیبانی وزارت اطلاعات مشغول پخش و توزیع مواد مخدر در سطح وسیع می‌باشند، به گونه‌ای که دامنه فعالیت‌های خود را به کردستان عراق نیز کشانده‌اند. افراد وابسته و فعال در این باند که از منفورترین چهره‌های درون اجتماع می‌باشند، همگی از مهره‌ها و همکاران فعال اداره اطلاعات بوده...»

مسلم است که با چند قاچاقچی نمی‌توان در ابعاد میلیونی مردم ایران به ویژه جوانان را به دام اعتیاد کشاند. حتی اگر آمارهای خود رژیم را مبنا قرار دهیم تا یکی دو سال پیش رقم معتادین کشور یک میلیون و دویست هزار نفر بود که اکنون این رقم به چهار میلیون نفر بالغ شده است و روزانه به طور میانگین ۴۵ نفر از معتادین فقط در گوشه و کنار خیابان‌ها و کوچه‌های تهران جان می‌دهند. بخشی از این قربانیان تحصیلات بالایی دارند. البته رقم‌های غیررسمی خبر از اعتیاد حدود هشت تا ده میلیون نفر می‌دهند. اگر از کارشناسان و متخصصان امور اجتماعی سؤال کنیم که آیا چند قاچاقچی پول‌پرست می‌تواند در این ابعاد گسترده مردم را به اعتیاد آلوده سازد؟ قطعاً بلافاصله جواب خواهند داد که نه، نه قاچاقچی هرگز نمی‌تواند از عهده چنین کار خطرناک و پیچیده‌ای بر بیایند، قاعدتاً باید شبکه وسیعی در این امر فعال باشد که عوامل آن در سطوح مختلف ارگان‌های حاکمیت دارای سمت و پست و مقامی هستند.

البته باید تأکید کنیم که اکنون سند معتبری مبنی بر ارتباط جمهوری اسلامی با قاچاق مواد مخدر در دست داریم. محسن رضایی، یک از عناصر کلیدی رژیم است. سال ۱۳۶۰، به دلیل بی‌رحمی و کشتار مخالفین و نقشی که در سرکوب انقلاب ۵۷ داشت، توجه سردمدران رژیم را به خود جلب کرد تا این که با حکم خمینی به فرماندهی سپاه پاسداران منصوب شد و یک هفته پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ریاست جمهوری، با حکم خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از پست خود کناره‌گرفت

تا در لباس غیرنظامی، به عنوان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولیت‌های استراتژیک سیاسی_نظامی را پیش ببرد.

متن کامل سخنرانی تلویزیونی محسن رضایی، در برنامه دیدگاه(پرسش و پاسخ)، به عنوان نامزد نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی، به صورت کتبی نیز در پایگاه اینترنتی‌اش درج شده است، در این مصاحبه از جمله از او سؤال شده است: «... یکی این که در مورد قاچاق مواد مخدر و اعتیاد می‌خواهم از شما سؤال کنم...» محسن رضایی، در جواب این سؤال چنین اقرار می‌کند: «در بعد اول من بسیار متاسفم، چون این مساله‌ای نیست که قابل کنترل نباشد این قاچاق از یک جای معینی وارد ایران می‌شود و ایران با این نیروی عظیمی که در اختیارش هست چرا نمی‌تواند این کار را انجام دهد حتما یک مفسده‌ای وجود دارد، حتما یک دست‌هایی وجود، حتما یک آلودگی‌هایی وجود دارد، چطور ایران نمی‌تواند این مساله را حل کند، وقتی که منشا ورود قاچاق مواد مخدر در ایران از یک نقاط معینی هست این مساله به نظر من قابل حل هست و من می‌دانم مشکل کجاست؟ مشکل اصلی در این ارتباطات آلوده‌ای است که بین دولتی‌ها و قاچاقچی‌ها برقرار شده، ما باید این دست‌ها را قطع کنیم و قاطعانه قطع کنیم انشاء...»(یک‌شنبه، ۱۵ خرداد ۱۳۸۴، پایگاه اینترنتی محسن رضایی)

بدین ترتیب، محسن رضایی، یکی از عناصر مهم و کلیدی رژیم و آگاه به مسایل مخفی و علنی جمهوری اسلامی، کار ما را در جواب دادن به ایمیل‌های رسیده در رابطه با نقش عناصر و ارگان‌های رژیم در قاچاق مواد مخدر، ساده‌تر کرد و یک‌بار دیگر نقش جنایت‌کارانه و غیرانسانی رژیم جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر، در گرما گرم رقابت مضحکه انتخاباتی از زبان یک عنصر آن جاری شد. جمهوری اسلامی، علاوه بر تحمیل فقر و فلاکت فزاینده اقتصادی که اکثریت جامعه ایران را در معرض انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی قرار داده است و با آفریدن رعب و وحشت و ترور، زندان و شکنجه و اعدام، جامعه را به انقیاد کشیده است، در عرصه قاچاق مواد مخدر و آلوده کردن جوانان به افیون خانمانسوز نیز فعال است. بدین ترتیب از جمله با اقرار عنصر مهمی مانند محسن رضایی، نباید دیگر کسی نسبت به نقش رژیم جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر توهمی داشته باشد. اساسا معضل اعتیاد آن‌قدر وسیع و گسترده و اجتماعی است که دیگر سردمداران جمهوری اسلامی مانند محسن رضایی نمی‌توانند نقش خود را در این جنایت پرده‌شی کنند. بخش عظیم جامعه ایران بر این امر آگاهند و بسیاری نیز از نزدیک می‌بینند که چگونه در این بیست و هفت سال «آقازاده»‌هایی که یک روز هم سختی نکشیده‌اند صاحب ثروت‌های باد آورده میلیاردی شده‌اند. این‌ها علاوه بر چپاول اموال عمومی، رشوه‌گیری و باج‌گیری، از توزیع مواد مخدر نیز برای کسب سود بیش‌تر ابایی ندارند. بنابراین جمهوری اسلامی، خود بزرگ‌ترین قاچاقچی منطقه است و صدور مواد مخدر به اروپا و

آمریکای شمالی را ممکن می‌سازد. حتی باندهای این رژیم، در خارج کشور نیز در توزیع مواد مخدر و به ویژه آلوده کردن فرزندان پناهندگان و مهاجرین ایرانی فعالیت دارند.

حقیقتاً قاچاق مواد مخدر و آلوده کردن جوانان مردم به این بیماری مهلک و دودمان‌برانداز بزرگ‌ترین جنایت بر علیه بشریت است. امروز اعتیاد، یکی از مهم‌ترین عواملی است که سلامت میلیون‌ها انسان در سطح جهان را به خطر انداخته است و هر روز نیز تعداد هر چه بیش‌تری را در کام خود می‌بلعد.

گرفتار شدن در دام اعتیاد، دلایل مختلف اقتصادی، روانی، خانوادگی و اجتماعی دارد. کسی که به دام اعتیاد گرفتار می‌گردد، در اثر مصرف مکرر و مداوم، قربانی آن می‌شود. کارشناسان و متخصصین امور اعتیاد را به سه دوره تقسیم می‌کنند: مرحله آشنایی، مرحله میل به افزایش مواد و سرانجام در مرحله سوم، فرد به مرحله اعتیاد کامل می‌رسد که اگر مواد مخدر به موقع استفاده نکند دچار عوارض روانی و جسمی می‌گردد. مثلاً مصرف هرویین به سرعت موجب اعتیاد می‌شود و تریاک پس از حدود یک ماه استفاده متوالی به مرحله اعتیاد می‌رسد. در حالی که اعتیاد به الکل، به مصرف طولانی و مداوم آن نیاز است.

اعتیاد، در روابط و مناسبات خانوادگی، اجتماعی و شغلی فرد تغییرات قابل مشاهده‌ای به وجود می‌آورد و خلق و خوی فرد معتاد نیز تغییر پیدا می‌کند؛ تحریک‌پذیری، بی‌قراری، اضطراب، عصبانیت، جای خود را به مدارا و آرامش می‌دهد. معتاد، از اقوام، والدین، برادر و خواهر و دوستان نزدیک دور می‌شود و به روابط و مناسبات مشکوک و دوستان جدید روی می‌گذارد. ساعات خواب و استراحت و برنامه‌های کاری و تحصیلی شخص معتاد دگرگون می‌شود؛ هزینه‌هایش به سرعت بالا می‌رود؛ برای گرفتن پول اطرافیان خود را تحت فشار قرار می‌دهد و به انواع و اقسام دورغ‌ها متوسل می‌گردد؛ دست به بزهکاری و دزدی نیز می‌زند؛ ساعات طولانی در اتاق خود را می‌بندد و از رو در رو شدن و هم صحبت شدن با اعضای خانواده گریزان و خسته می‌شود. ظاهر فرد معتاد، نامرتب و نامنظم و موهایش ژولیده می‌شود؛ بعضی مواقع به طور زودگذر شاد و خندان و اغلب افسرده و خواب‌آلود است؛ بعضاً پرحرفی می‌کند و یاوه‌گویی و دروغ‌گویی می‌پردازد. فرد معتاد بیش‌تر اوقات از قرص‌های خواب‌آور و مسکن قوی نیز استفاده می‌کند...

نهایت امر، اگر مصرف روزانه معتاد به هم بخورد، عوارض جسمی و عصبی در او نمایان می‌شود و ناراحتی‌های عصبی، بی‌قراری، عطسه و ناراحتی‌های عضلانی، دل پیچه، بی‌اشتهایی، کم شدن وزن و دیگر ناراحتی‌های جسمی در فرد معتاد بروز می‌کند. مواد افیونی عوارض زیادی در کارکرد کلیه‌ها، کیسه صفرا، دستگاه گوارشی، تارهای صوتی حنجره، ریه‌ها، تبش قلب، بیماری هپاتیت، ایدز،

ناراحتی لثه و دندان، تنگی نفس و ضعف عمومی در فرد معتاد پدیدار می‌گردد و عوارض دیگری نظیر بالا رفتن درجه حرارت بدن، خشکی پوست و شکستن ناخن‌ها نیز در بر دارد.

لحن و بیان اجتماعی شخص معتاد تغییر می‌یابد و از واژه‌ها و کلمات زشت و پرخاشگرانه استفاده می‌کند. او، اگر حتا با نزدیک‌ترین کسان خود نیز کوچک‌ترین مشکلی پیدا کند، رابطه‌اش را به سادگی قطع می‌کند و حتا در مورد آن‌ها در نزد دیگران با خصومت یاد می‌کند. ساختن رویاهای کاذب از خصوصیات دیگر معتادین است. متأسفانه اغلب کسانی که از حشیش، کوکائین و ال.اس.دی استفاده می‌کنند به بیماری‌های روانی دچار می‌گردند.

نهایت امر فرد معتاد، نقش تولیدکننده را از دست می‌دهد و به مصرف‌کننده‌ای صرف تبدیل می‌گردد که همواره به خود و اطرافیانش ضرر می‌رساند و مشکل درست می‌کند. فرد معتاد اگر با مشکل تهیه مواد مخدر روبه‌رو شود، به دزدی، تکدی‌گری و فروش مواد مخدر و بزهکاری دیگر کشیده می‌شود و به احتمال قوی اسیر باندهای توزیع مواد مخدر می‌گردد.

سستی و بی‌ارادگی، فشارهای عصبی، نیازهای روانی و عاطفی، نابسامانی‌های زندگی، اختلافات درون خانواده، شکست‌های اجتماعی، اختناق سیاسی و عدم آزادی، بیکاری، لذت‌جویی‌های موقتی، ضعف جنسی، احساس تنهایی، دوستان و... از جمله عواملی موثری هستند که افراد مساعد را به دام مهملک اعتیاد می‌کشاند.

سرمایه‌داری جهانی در قاچاق مواد مخدر نقش و سهم مهمی دارد. امروز با رشد شگفت‌آور قاچاق مواد مخدر در کنار دیگر فعالیت‌های جنایی مانند قاچاق اسلحه، قاچاق انسان، تن‌فروشی و آدم‌ربایی، به شکل بسیار پیچیده‌ای در تمام نقاط جهان رخنه کرده است. اساساً حمل و جابجایی مواد مخدر در مسیرهای طولانی مثلاً از آسیا تا اروپا و آمریکا، بدون همکاری مأمورین گمرکات مرزها و دست داشتن مقامات رده بالای دولت‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. علاوه بر این، تهیه عوامل حیاتی تولید این افیون، مواد اولیه شیمیایی است که عمدتاً توسط شرکت‌های سوئیسی، آلمانی و ایالات متحده آمریکا تولید و به کشورهای دیگر صادر می‌شود.

بدین ترتیب فرد معتاد قربانی عواملی است که در بالا برشمردیم. بنابراین به فرد معتاد نه به عنوان «مجرم»، بلکه باید به عنوان بیمارانی نگاه کنیم که با تلاش جامعه، اطرفیان و نزدیکان و با رجوع به پزشک و درمان، البته به شرطی که خود فرد معتاد اراده کند و همکاری نماید، درمان آن چندان مشکل نیست. مهم‌تر از همه تا روزی که دست‌کم یک دولت مسئول و منتخب مردم در ایران سر کار نیامده است، معضل اعتیاد نیز همانند دیگر جنایات و ستم‌های جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت، تشکل‌های مردمی و کانون‌ها و انجمن‌ها با فعالیت داوطلبانه پزشکان، روانکاوان، متخصصین امور، فعالین مسایل اجتماعی و سیاسی می‌توانند به یاری قربانیان اعتیاد بشتابند.

سرانجام سوداگران مرگ و رژیم‌های دیکتاتوری از نوع جمهوری اسلامی، ضدانسان و ضدآزادی هستند که علاوه بر سرکوب، ترور، زندان، شکنجه، اعدام و استثمار وحشیانه نیروی کار، به چپاول و غارت اموال عمومی نیز دست می‌زنند اما باز هم از این همه جنایات اقتصادی و سیاسی سیر نمی‌شوند و به جنایات دیگری نظیر قاچاق سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق زنان و دختران و از جمله قاچاق کلان مواد مخدر نیز روی می‌آورند تا از با خانه خراب کردن میلیون‌ها خانواده، جیب‌های خود را هر چه بیش‌تر با پول‌های آلوده و خونین پر کنند.

۱۵ ژوئن ۲۰۰۵

* برگرفته از جهان امروز ۱۵۲